

آموزش فائده‌ها شده در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۱۰

(پرسش و پاسخ - بخش ۱ از ۲)

لی هنگ‌جی

۵ سپتامبر، ۲۰۱۰ ~ منتهن

مریته: در هنگ‌بین جلد دوم، منظور از "چهار عنصر بزرگ [یاگذر زمان] از زمین رفته‌اند" چیست؟

استاد: می‌توانم این را توضیح دهم، اما فکر می‌کنم این پرسش زیاد ارتباطی با کارهای مان که در حال حاضر باید برای نجات موجودات ذی‌شعور انجام دهیم ندارد. منظور شاکيامونی از "چهار عنصر بزرگ"، خاک، آب، آتش و باد بود -- عامل بنیادین ایجاد عالم در قلمرو خاصی درون یک بدن کیهانی. دقیقاً روشن ساختم که در یک قلمرو خاص بود که چهار عنصر بزرگ عامل بنیادین پشت خلق آن عالم بود. اما هنوز هم آن، [عامل] نهایی نبود، عامل بنیادین واقعی. درحالی که بدن کیهانی در طول زمانی طولانی در حال گذر از مراحل ایجاد، ایستایی و تباهی بوده و به مرحله‌ی تباهی رسیده، چنین به نظر می‌رسد که در روند از بین رفتن [درگذر زمان] باشد.

مریته: مریدان دافای اهل کره در سرزمین چین دلتنگ استاد هستند.

استاد: از همگی شما تشکر می‌کنم. نیازی نیست این چیزها را در برگه‌های پرسش بنویسید. می‌دانم که همگی شما دلتنگ استاد هستید و استاد دلتنگ شما! (همگی مریدان بلند تشویق می‌کنند)

مریته: مریدان دافای پکن هر چه انتها نزدیک‌تر می‌شود بیش‌تر دلتنگ استاد می‌شوند.

استاد: از خواندن این‌گونه برگه‌ها با صدای بلند رد می‌شوم. فقط برگه‌هایی را برای خواندن انتخاب می‌کنم که پرسش داشته باشند.

مریته: مریدان دافا از دانشگاه کشاورزی پکن، دانشگاه زمین‌شناسی پکن، دانشگاه بی‌هانگ، دانشگاه جنگل‌داری پکن و ... به استاد درود می‌فرستند.

استاد: اجازه دهید درودهای بیش‌تری بالا نفرستید، چراکه خواندن آن‌ها زمان می‌برد. از همگی شما تشکر می‌کنم. (مریدان تشویق می‌کنند)

مریته: کل بنده‌ی مریدان دافا در نان‌چانگ، گوانگ‌دونگ، هونان و شی‌نینگ درودشان را به استاد باشکوه می‌رسانند.

استاد: از خواندن درودها رد می‌شوم، و به پاسخ پرسش‌ها می‌پردازم. می‌خواهم با پرسش‌ها شروع کنم -- پاسخ پرسش‌ها.

مریته: کل بنده‌ی شاگردان تایلند درودشان را به استاد می‌رسانند.

استاد: درودی دیگر. از همگی شما تشکر می‌کنم.

مریته: ذی‌یانگ، استان سی‌چوآن، چنگ‌دو ... (همگی می‌خندند)

استاد: یکی دیگر.

مریته: چگونه می‌توانیم افکار و عقاید و وابستگی‌هایی که توسط زندگی در میان مردم عادی شکل گرفته‌اند را در سریع‌ترین زمان ممکن از بین ببریم؟

استاد: (خنده) در بین چالش‌ها، یا وقتی مسائل نمی‌توانند حل و فصل شوند، مردم همیشه سعی می‌کنند به برخی از تاکتیک‌ها برای استفاده فکر کنند. اما در واقع هیچ میان‌بری وجود ندارد: شما مجبورید به‌طور واقعی تزکیه را به عمل بگذارید و هم‌سو با قانون بزرگ تزکیه کنید. اگر یک شخص بخواهد به‌سوی خدا شدن حرکت کند، و هنوز فکر کند، "بگذار بینم آیا می‌توانم نوع خاصی میان‌بر پیدا کنیم" (خنده)، آیا او واقعاً می‌تواند توسط انجام تزکیه‌ی واقعی و استوار در حال رشد باشد؟ این عملی نیست. اگر می‌خواهید بالاتر بروید مجبورید به‌طور واقعی و استوار تزکیه کنید.

مرید: پس از این‌که استاد دفعه‌ی پیش در کنفرانس فای واشنگتن دی‌سی فا را آموزش داد، بسیاری از مریدان در سرزمین چین پی بردند که آن‌ها نیز باید بدون قید و شرط با هماهنگ‌کنندگان همکاری کنند. تا آن‌جا پیش رفتند که دنبال دستیاران و هماهنگ‌کنندگان پیشین محل [تمرین] رفتند تا از آن‌ها بخواهند حالا به‌عنوان هماهنگ‌کنندگان کلی باشند، علی‌رغم این حقیقت که این دستیاران و هماهنگ‌کنندگان پیشین محل [تمرین] در بسیاری از موارد هرگز به‌طور واقعی قدم پیش نگذاشته‌اند.

استاد: قبلاً، در سرزمین چین، آن مریدان دافایی که در موقعیت‌های مسئولیتی در محل‌های تمرین کار می‌کردند به خاطر این‌که به‌خوبی تزکیه کرده بودند در آن موقعیت‌ها نبودند، بلکه، به‌خاطر این بود که آن‌ها توانایی به انجام رساندن چنین کاری را داشتند و میل انجام چنین کاری را داشتند. این باید تزکیه‌کنندگان باشند که امور تزکیه‌کنندگان را اداره می‌کنند. فقط کافی نیست که در نظر داشت شخص در اداره‌ی امور چقدر خوب است؛ این‌که آیا او قادر است تزکیه کند نیز باید در نظر گرفته شود. این چیزی است که هرگز نمی‌تواند تغییر کند.

وقتی دفعه‌ی پیش فا را آموزش دادم، صراحتاً یک سطر در این باره اضافه کردم که، "این مربوط به مریدان دافای خارج از سرزمین چین می‌باشد." شرایط در سرزمین چین متفاوت است، بنابراین به افراد آن‌جا اشاره نمی‌کردم.

مرید: شاگردانی در سرزمین چین که کوشا هستند مشغول روشن‌گری حقیقت و نجات مردم هستند، و زمان کافی برای مطالعه‌ی فا یا انجام تمرین‌ها را ندارند، که منجر به این می‌شود که مورد آزار و اذیت قرار بگیرند. از سوی دیگر، برخی از شاگردان مقدار زیادی از وقت خود را صرف مطالعه‌ی فا و تمرین‌ها می‌کنند و به‌ندرت حقیقت را روشن می‌کنند. بسیاری شبیه این هستند. در این وضعیت، چه مقدار طول خواهد کشید قبل از این‌که بتوانیم مردم را به میزان کافی نجات دهیم؟

استاد: اصولاً این را می‌گویید که برخی فقط روشن‌گری حقیقت می‌کنند اما فا را مطالعه نمی‌کنند درحالی‌که دیگران فقط فا را مطالعه می‌کنند اما حقیقت را روشن نمی‌کنند. (خنده‌ی حضار) این دقیقاً عذر و بهانه‌ای است که نیروهای کهن استفاده می‌کنند تا مریدان دافا را مورد آزار و اذیت قرار دهند. [این چیزی است که روی می‌دهد] اگر نتوانید به‌طور واقعی این دو چیز را متعادل کنید، چراکه نجات مردم توسط دافا چیزی نیست که یک شخص عادی بتواند به انجام برساند. باید یک تزکیه‌کننده باشد. بنابراین، باید فا را مطالعه کنید، تزکیه کنید و یک تزکیه‌کننده باشید. وقتی یک فرد عادی آن را انجام می‌دهد به حساب نمی‌آید و او آن مقدار تقوای عظیم را به‌دست نمی‌آورد. پس اگر شما، به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، نتوانید این کار را به انجام برسانید و فقط فا را مطالعه کنید، آیا این‌طور نیست که هدف از مطالعه‌ی فا را در نظر نگرفته‌اید؟ این برای موفقیت خود شما و نیز نجات موجودات ذی‌شعور است. توسط مطالعه‌ی فا خودتان فا را به‌دست می‌آورید، اما آیا فقط می‌خواهید به‌دست بیاورید -- مزایایی از دافا به‌دست بیاورید؟ به‌عبارت دیگر، اگر درحالی‌که مریدان دافا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و دافا مورد تهمت و افترا قرار می‌گیرد، شما برنخیزید و برای حمایت چیزی نگویید، آیا ارزش به‌دست آوردن فا را دارید؟ موضوع این است.

مرید: برخی از شاگردان غربی در اروپای شمالی درخواست کرده‌اند که افراد رویکرد مبتنی بر تقویم برای مطالعه‌ی جوآن فالون داشته باشند، و ...

استاد: نباید چنین چیزی باشد. بهترین چیز برای شما این است که زمان مقرر برای مطالعه‌ی فا داشته باشید. مطالعه‌ی فا با همدیگر شکلی است که به شما داده‌ام. اما باید درخصوص مطالعه‌ی فا کوشا باشید و مرتباً مطالعه کنید، و فقط آن‌گاه می‌توانید جهت‌ها را گم نکنید، می‌توانید مسیرتان را به‌درستی پیمایید، و آن‌چه را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید. روش مطالعه‌ی فا را تغییر ندهید. بسادگی آن را از اول تا آخر بخوانید. نروید که چیزی متفاوت را شروع کنید که سعی کنید جدید باشید. فکر می‌کنم

این تفکری بشری است که مردم را به این سمت می‌برد که انتخاب کنند که کدام قسمت از فا را مطالعه کنند یا برای مطالعه‌ی فا به رویکردی جدید دست پیدا کنند.

مرید: در منطقه‌ی ما یک هماهنگ‌کننده‌ی تبلیغ‌شن یون وجود دارد که به دلایل گوناگونی دیگر بیرون نمی‌آید و نسبتاً افسرده است. ممکن است استاد چند کلمه بیان کنند؟

استاد: ترجیح می‌دهم حکم صادر نکنم. (خنده‌ی حضار) تا وقتی که این امر به پایان نرسیده است، مریدان دافا هنوز در میان تزکیه کردن خودشان و گذر از آزمایش‌ها هستند و این که شخص الزامات را داشته باشد یا خیر درحال مشاهده شدن است. نمی‌خواهم مسیر او را مسدود کنم. هر شخصی درحال رسیدن به بینش‌های خودش است، و هر یک درحال تزکیه می‌باشند. درحالی که آن چه شما می‌بینید این است که او امروز بیرون نمی‌آید، باید بدانید که او درحال گذر از زمان‌های سخت و در میان یک آزمایش است. همه درطول آزمایش‌هایشان از میان آن خواهند گذشت. چیز حیاتی این است که شخص چگونه خود را اداره می‌کند.

مرید: یک هم‌تزکیه‌کننده گفت که عدم اعتماد به بالاترین شخص مسئول معادل عدم اعتماد به استاد است. آیا این درست است؟

استاد: مایلم دوباره درباره‌ی این با همگی شما صحبت کنم. آن چه که درباره‌اش صحبت کردم شخص اصلی مسئول هر پروژه یا شخص اصلی مسئول انجمن دافای یک منطقه است. این خیلی مهم است. درخصوص افراد مسئول در سطوح زیرین، یا مسئول ناحیه‌ی خاص یا دپارتمان‌های خاصی درون یک پروژه‌ی خاص، این آن قدر حیاتی نیست. به هر حال، به عنوان مریدان دافای ما، از آن جا که استاد از شما درخواست کرد که وضعیت‌تان را تغییر دهید، آن گاه باید همان طور که توصیف کردم عمل کنید و به مدیرتان گوش کنید، و از دستورات آن‌ها پیروی کنید، چراکه هر چه باشد این که هر دپارتمان امور را چگونه انجام می‌دهد نهایتاً از دستورات شخص اصلی مسئول می‌آید. بگذارید یک بار دیگر تکرار کنم چگونه است: من به اشخاص اصلی مسئول -- اشخاص مسئول پروژه‌ها و ابتکارات مهم، و بالاترین شخص در هر انجمن دافا -- اشاره کردم، نه دپارتمان‌های گوناگون زیر آن‌ها، یا هماهنگ‌کنندگان مطالعه‌ی فا و محل‌های تمرین مختلف تحت انجمن یک منطقه‌ی خاص. این‌ها افرادی نیستند که به آن‌ها اشاره کردم. آن‌ها عهده‌دار مسئولیت کل پروژه نیستند. اما با این که این را گفتم، هنوز هم باید در به انجام رساندن آن چه که اشخاص مسئول ناحیه‌های مختلف و دپارتمان‌ها یا بخش‌های گوناگون درون یک پروژه می‌گویند پیروی کنید و خوب عمل کنید، چراکه از خیلی از آن‌ها توسط بالاترین شخص مسئول خواسته شده که آن رویکردی که انتخاب می‌کنند را انتخاب کنند. به هر حال اگر مشکلاتی جدی وجود داشته باشد همیشه می‌توانید مطابق معمول آن‌ها را گزارش کنید. اما، درطول این سال‌ها، عادت‌های را شکل داده‌اید که درخصوص برخی از افراد به طور بدی فکر می‌کنید، و نتوانسته‌اید به آن وابستگی خاتمه دهید چراکه به نگاه کردن به بیرون عادت کرده‌اید. می‌خواهم این وضعیت را برگردانم، و آن ماده را برای شما از بین ببرم. نمی‌توانید به این صورت ادامه دهید. وقت برای آن گذشته است.

پس چرا قبلاً چیزی نگفتم؟ بسیار خوب، درنظر بگیرید اگر آن چه را که [الان] از شما درخواست می‌کنم درست از روز اول انجام داده بودید، وضعیت‌تان چگونه می‌شد. اگر فقط هرچه شخص مسئول می‌گفت انجام می‌دادید، مسیر خودتان را نمی‌رفتید. بیش‌تر این که، اگر شخص مسئول شما را به خارج از مسیر راهنمایی می‌کرد، متوجه آن نمی‌شدید. و اگر شخص مسئول خودش هیچ سختی نمی‌داشت که از آن عبور کند، او نمی‌توانست تزکیه کند. آیا منظور مرا متوجه می‌شوید؟ این دلیل آن است که چرا در طول سال‌های قبل این گونه آموزش دادم، و این موضوع را مطرح نکردم. اما حالا افراد مسئول از میان ده سال سختی و آزمون و آن روند تزکیه گذر کرده‌اند، و از آزمون‌های زیادی عبور کردند و مسیر خودشان را پیمودند. اکثریت زیادی می‌دانند چگونه امور را اداره کنند. حالا نیاز داریم که آن وضعیت‌تان را تغییر دهیم. و با این کار، این وابستگی شما که از روی عادت به بیرون نگاه می‌کنید، در بیرون جستجو می‌کنید و هر زمان که مشکلاتی بروز می‌کند به شخص مسئول نگاه می‌کنید را از بین ببریم. قبلاً عادت داشتید که به بیرون نگاه کنید و همیشه با فرد مسئول مخالفت کنید، و حتی تا امروز، هنوز هم با او موافقت نمی‌کنید. (خنده‌ی حضار) این خوب نیست. باید او را بپذیرید. حالا، درخصوص افراد مسئول، برخی واقعاً ضعیف عمل کرده‌اند. درحالی که برخی ضعیف عمل کرده‌اند، اکثریت خوب عمل کرده‌اند. بنابراین استاد هنوز با دقت مراقب امور است.

مرید: برخی از هم‌تذکیه‌کنندگان اشاره کرده‌اند که درحالی که مشغول کار برای یکی از رسانه‌هایمان هستیم، همچنین موافقت کنیم که برنامه‌هایی را برای هم‌تذکیه‌کنندگان در رسانه‌های دیگر انجام دهیم. آیا این بدین معنی است که بر انجام یک کار به‌خوبی متمرکز نیستیم؟

استاد: مریدان دافای ما هم‌زمان درحال به دوش کشیدن بسیاری از کارها هستند. اگر بتوانید یک کار را به‌خوبی انجام دهید، درحالی که از عهده‌ی این برآیید تا هم‌زمان کار دیگری را به‌خوبی انجام دهید، آن‌گاه به آن بپردازید. اما اگر نمی‌توانید یک کار را کامل کنید و با این حال کاری دیگری را به عهده می‌گیرید، آن‌گاه هیچ یک را به‌خوبی انجام نخواهید داد. بنابراین باید پی ببرید که چگونه این چیزها را متعادل کنید. در شمال شرق چین عبارتی است که، "یک خرس کور بلال می‌چیند." (خنده‌ی حضار) منظور شمال شرقی‌ها از "خرس کور" یک خرس است، بنابراین، یک خرس چگونه بلال می‌چیند؟ یک بلال می‌کند و زیر بغلش می‌گذارد، سپس سعی می‌کند یکی دیگر زیر همان بغلش بگذارد، سپس دیگری را برمی‌دارد و سعی می‌کند این را هم دوباره زیر همان بغلش جای دهد، اما در آخر فقط یک بلال برایش می‌ماند (خنده‌ی حضار)

مرید: اخیراً در سرزمین چین، یک تذکیه‌کننده‌ی عالی که در محل خاصی یک هماهنگ‌کننده بود ناگهان چیزی که شکل کارمای بیماری به خود گرفته بود را تجربه کرد و درگذشت و بسیاری را متأثر کرد. تذکیه‌کنندگانی که نزدیک وی بودند به این فکر می‌کنند که چه قسمتی مربوط به آن‌ها بوده یا آیا دلایل دیگری وجود دارد؟

استاد: پس از گذر از این مقدار آزار و اذیت و پیمودن این اندازه از مسیرتان، باید همگی آگاه باشید که این مسائل چگونه پدید می‌آیند. می‌توانید از هم‌تذکیه‌کنندگان تان بی‌رسید و در خصوص مسائل روشن شوید.

بسیاری از نظم و ترتیب‌هایی شبیه این توسط نیروهای کهن ساخته شد. البته، وقتی نظم و ترتیب‌ها درحال ساخته شدن بودند، شاگردان از این آگاه نبودند که این نیروهای کهن هستند که درحال انجام چنین کاری هستند. در آن زمان، استاد هنوز آن‌ها را به‌عنوان نیروهای کهن مشخص نکرده بود. بنابراین شاگردان با این نظم و ترتیب‌ها موافقت کردند، و به این شکل چسبانیده شدند. در آن زمان، برخی بر این باور بودند که این همان طوری است که امور باید انجام شوند، و بنابراین چیزهای خاصی را امضاء کردند. وقتی زمان مقرر فرا رسید، نیروهای کهن دستاویزی داشتند، می‌توان گفت، برای این که به آن بچسبند و او را آزار و اذیت کنند. سناریوهای دیگری نیز بوده است. برای مثال، بسیاری از افراد تذکیه‌شان را از طریق مشاهده‌ی دیگران و صرفاً پیروی از دیگران انجام داده‌اند به‌جای این که مسیر خودشان را بیمایند. بنابراین نیروهای کهن کاری می‌کنند که این شخص زودتر ترک کند، و از این موقعیت استفاده می‌کنند تا ببینند افراد چگونه واکنش نشان می‌دهند و ببینند آیا می‌توانند به تذکیه ادامه دهند. از آن‌جا که تذکیه چیزی است که باید از روی اراده و خواست خودتان و به‌صورت فعال و کنش‌گرایانه‌ی انجام دهید، وقتی با نفع و سود مورد وسوسه قرار می‌گیرید، یا وقتی در ارتباط با شهرت و احساسات‌تان از درد شدیدی زجر می‌کشید، باید واقعاً قادر باشید به‌آسانی از آن چیزها دست بکشید، و فقط آن‌گاه چیزها برای شما کامل خواهند شد. بنابراین، وقتی بعد از این که می‌بینید شخصی دیگر خوب عمل می‌کند، همگی خوب عمل می‌کنید، یا بعد از این که می‌بینید او خوب عمل نمی‌کند خوب عمل نمی‌کنید، و همگی این‌گونه هستید، آن‌گاه مثل این است که آن شخص را به سمت خطر هل می‌دهید. در این حالت، وابستگی بشری شما، رفتن این شخص را تسریع بخشیده است. از این رو، نیروهای کهن از این سوء استفاده می‌کنند و نمی‌گذارند وی زنده بماند، چراکه نظر آن‌ها این است که او افراد بسیاری را که به او نگاه می‌کردند و واقعاً تذکیه نمی‌کردند تحت تأثیر قرار داده است. آیا واقعاً آن افراد درحال گذر از سختی و آزمایش‌ها بودند؟ آیا واقعاً می‌توانستند تذکیه کنند؟ آیا تذکیه‌شان واقعی بود یا خیر؟ فقط وقتی یک شخص تذکیه‌ی خودش را انجام دهد به حساب می‌آید. بنابراین، آن‌ها از این دستاویز استفاده می‌کنند و برای استاد سخت است که کاری در این‌باره انجام دهد. این بدین خاطر است که آن‌ها از یک اصل سوء استفاده می‌کنند و می‌گویند، "به همگی آن افراد نگاه کن -- چه کسی در بین آن‌ها واقعاً درحال تذکیه کردن است؟ ما باید این شخص را از سر راه برداریم." این دلیل آن است که چرا این واجب و ضروری است که شما در تذکیه مسیر خودتان را بیمایید. قطعاً باید خودتان را تذکیه کنید.

البته بیش‌تر از این دو سناریو وجود دارد. برخی از افراد برای مدتی طولانی وابستگی به بیماری را در خود پرورانده‌اند، که این هم خطرناک است. این بدین دلیل است که برخی از افراد فکر می‌کنند که بیماری‌هایشان توسط تمرین دافا از بین خواهد رفت، و این که یک سپر دفاعی روی آن‌ها خواهد بود -- "تا وقتی به رده‌ی مریدان دافا ملحق شوم بیماری نخواهم داشت، و چیزی برای

ترسیدن نخواهم داشت." چه وابستگی بشری قدرتمندی! اما آیا آن گاه این شخص تزکیه‌ی واقعی را به انجام رسانده است؟ یا این که با دافا به‌عنوان یک سپر دفاعی برخورد کرده است؟ حتی اگر این چیزی نباشد که شخص در ابتدا این گونه فکر می‌کرد، اما هنوز هم آن یک وابستگی است.

اما آیا نباید ما رها از تمام کوتاهی‌ها باشیم اگر قرار است تا مرحله‌ی کمال تزکیه کنیم؟ نمی‌توانیم درخصوص وابستگی‌های بشری هیچ کوتاهی داشته باشیم. هر وابستگی بشری یک مشکل است. همگی باید بروند. هر یک از آن‌ها می‌توانند به این منجر شوند که یک شاگرد با چیزهای ناخوشایندی مواجه شود. مطمئن هستم که بسیاری از شاگردان، درحالی که از میان این همه سختی‌هایی که دارند گذر کرده‌اند، از این به‌خوبی آگاه هستند. نیازی نیست بیش‌تر توضیح دهم. این مسائل همگی چیزهایی هستند که در مسیرتان بر آن‌ها غلبه کرده‌اید.

مریde: برخی از مریدان دافا در چین پس از این که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند قدم پیش نمی‌گذارند، اما داشتن مریدانی که عقب افتاده‌اند باعث به تعویق افتادن روند اصلاح- فا می‌شود. ممکن است استاد در این خصوص ما را روشن کنند؟
استاد: آن‌ها آن را به تأخیر نمی‌اندازند، چراکه هرچه باشد زمان منتظر کسی نمی‌ماند. فقط این طور است که استاد درحال ادامه دادن به ارائه‌ی فرصت‌هایی است، و ما می‌توانیم در طول این روند در این بین منتظر شما باشیم. به هر حال، لحظه‌ی پایانی عظیم واقعی نمی‌تواند به تأخیر بیفتد.

مریde: در این مرحله در اصلاح- فا، مریدان دافا در سرزمین چین چگونه می‌توانند بهتر عمل کنند؟ آن‌ها از من می‌خواهند از طرف آن‌ها درودشان را به استاد محترم برسانم.

استاد: موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، حقیقت را روشن کنید، آن‌چه را که مریدان دافا قرار است انجام دهند انجام دهید، و خودتان را به‌خوبی تزکیه کنید. نروید به‌دنبال برخی رویکردهای عجیب باشید. با آن شیوه‌های درجه پایین و نامرغوب وقت‌تان را تلف نکنید. فقط با اطمینان و وقار سه کار را انجام دهید. برای درود از شما تشکر می‌کنم. (تسویق)

مریde: ممکن است لطفاً استاد اصول فا درباره‌ی جمع نکردن پول را صراحتاً دوباره آموزش دهند. برای مثال، برخی از پروژه‌های خارج از چین به سرمایه نیاز دارند، و برخی از شاگردان پول ارائه می‌کنند و برخی با نیروی کار کمک می‌کنند. آیا این جمع کردن پول به حساب می‌آید؟

استاد: وقتی درباره‌ی جمع کردن پول صحبت می‌کنم، درواقع عمدتاً به وضعیت در سرزمین چین اشاره می‌کنم. خارج از چین مشکلات نادر هستند، گرچه در تایوان چندین مورد استثناء وجود داشته است که افراد از شکاف‌های مریدان دافا سوء استفاده کرده‌اند. اما در سرزمین چین، افراد کلاهبردار مانند آن بسیار هستند، و بنابراین عمدتاً به وضعیت امور در سرزمین چین اشاره می‌کردم. بنابراین در مناطق دیگر، چنین مشکلاتی زیاد رایج نیستند. برخی از مریدان دافا دور هم جمع شدند و سرمایه ارائه کردند تا پروژه‌ی خاصی را شروع کنند، اما آن به‌منزله‌ی جمع‌آوری پول نیست؛ آن‌ها از افراد دیگر درخواست پول نکرده‌اند. بنابراین این به حساب نمی‌آید. البته برخی از مریدان دافا که صاحب کسب‌وکار هستند و برخی که از نظر مالی خیلی اثبات هستند، مقداری از پول‌شان را برای حمایت از پروژه‌های دافا داده‌اند و این هم دوباره متفاوت از جمع‌آوری پول است. در این موارد شخص قلباً و به‌صورت خودجوش این کار را انجام می‌دهد و این کار چیزی را متأثر نمی‌کند چراکه وضعیت مالی او اثبات است. بنابراین به‌منزله‌ی یک مشکل به حساب نمی‌آید. عضویت را شروع نکنید و نروید که از شاگردان مان درخواست کمک مالی کنید. هر کسی این کار را انجام دهد درحال انجام کاری اشتباه است.

مریde: اخیراً در برخی از مناطق شاگردان تقریباً دچار کارمای بیماری شدیدی شده‌اند. برخی از شاگردان این ایده را مطرح کرده‌اند که همه افکار درست بفرستند و با موجوداتی که عامل کارمای بیماری هستند به راه‌حل نیک‌خواهانه‌ای برسند. آیا این درک "راه‌حل نیک‌خواهانه" و این رویکرد نسبت به آن صحیح است؟

استاد: مریدان دافا بخشنده هستند و بدن‌های قانون استاد به‌طور نیک‌خواهانه‌ای درحال حل و فصل کردن بسیاری از پیوندهای کارمایی مثبت و منفی شما هستند. این نوع از تفکر اشتباه نیست، اما شخص باید در نظر بگیرد که آیا این وضعیت واقعاً طوری است که می‌بینید، یا این که به‌خاطر این که انتخاب بهتری ندارید و با افکار درست ناکافی درحال انجام این هستید. برخی از افراد که قبلاً بیماری داشتند به‌محض این که تزکیه‌ی دافا را شروع کردند بهبود یافتند و واقعاً معالجه شدند. اما نیروهای کهن برای این که وابستگی‌های شما را بردارند و آزمایش کنند که آیا الزامات را دارا هستید یا خیر، باعث شدند که هر جایی که نقطه‌ی اصلی بیماری پیشین‌تان بود درد داشته باشد، یا بیماری دوباره برگردد، به‌طوری که علائم دقیقاً مشابه باشند، همگی برای این که ببینند آیا شما به دافا ایمان دارید. وقتی این اتفاق بیفتد چگونه قرار است خود را اداره کنید؟ بشری یا خدایی— تفاوت فقط در یک فکر نهفته است. اگر آن‌چه بروز کند یک فکر درست باشد، و شما این حالت را بگیرید که تمامی این‌ها دروغین هستند، که این نیروهای کهن هستند که مداخله می‌کنند، و به خودتان یادآوری کنید که چه مدت است که دافا را تزکیه کرده‌اید و این که چنین چیزی ممکن نیست، اگر این فکر واقعاً از درون بیاید، بلافاصله مشکل ناپدید می‌شود. اما این صرفاً چیزی نیست که شما بگویید و بعد قادر باشید به آن برسید. آن نوع فکر درست استوار از درون شما می‌آید و این چیزی سطحی یا این که فقط به زبان بگویید نیست. فرض کنید برخی از افراد فکر کنند، "اوه، استاد به ما گفت چه بگوییم، پس این چیزی است که خواهیم گفت"، اما قلب شما ناپایدار باشد، یا فقط این کار را انجام دهید برای این که استاد ببیند، و هنوز به آن قلمرو نرسیده باشید. در این حالت، وقتی این فکر شما بیرون بیاید، قادر نیست آن‌ها را تکان دهد و این قدرت را ندارد که چیزهای نیروهای کهن را شکست دهد. بنابراین مؤثر نخواهد بود. فقط با یک فکر درست ایجادشده توسط تزکیه، آن به موفقیت می‌رسد.

دقیقاً به‌خاطر این که بتوانید این چیزها را به‌خوبی اداره کنید، هرگز گفتن این به شما که صادقانه فا را مطالعه کنید و تزکیه‌ی واقعی انجام دهید را متوقف نکرده‌ام، چرا که وقتی افکار درست قوی باشند، واقعاً قدرت خدایی‌گونه خواهید داشت به‌طوری که یک کوه را به دو نیم کند— فقط با یک فکر آن را به دو نیم کنید. فقط ببینید که آیا نیروهای کهن آن وقت جرأت می‌کنند مداخله کنند. وقتی افکار درست شما ظاهر شود، هیچ چیز نمی‌تواند مسیرتان را مسدود کند. بنابراین شاگردانی که بیش‌تر مورد تداخل قرار گرفته‌اند و بدتر از همه مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، عمدتاً شاگردانی هستند که خیلی کوشا نبوده‌اند، که فا را پیایی مطالعه نمی‌کنند، یا هنگام مطالعه‌ی فا ذهن‌شان جای دیگری است. همیشه این گونه است. به هر حال، مریدان دافایی که به‌خوبی تزکیه کرده‌اند، واقعاً نمی‌توانند مورد مداخله— حتی کمترین مداخله‌ای— قرار بگیرند. بیش‌تر این که افکار درست آن‌ها قوی است و هم‌زمان درحال کمک به دیگران هستند. آن‌ها به‌طور واقعی درحال کمک به استاد هستند فا را اصلاح کند.

مرید: بسیاری از شاگردان در سرزمین چین چیز [زیورآلات] محافظی که "فالون دافا هائو" روی آن‌ها مزین شده است را به‌عنوان مطالب اساسی برای روشن‌گری حقیقت در نظر می‌گیرند و اولین کاری که پس از دیدن شخصی انجام می‌دهند این است که این‌ها را به او می‌دهند. اما حقیقت را به‌طور عمیق روشن نمی‌کنند.

استاد: مسلم است که انجام این کار درست نیست. شما درحال توزیع این چیزها هستید درحالی که نمی‌دانید این شخص درصدد انجام چه کاری است— "این‌جا می‌روی، یکی بگیر!" (خنده‌ی حضار) شاید آن شخصی که آن را به او دادید یک دقیقه قبل در اردوگاه کار مشغول آزار و اذیت مریدان دافا بوده، پس چرا به او یکی بدهید؟ برای چه او را محافظت می‌کنید؟ برای این که او را ایمن نگه دارید به‌طوری که بتواند آزار و اذیت مریدان دافا را به انجام برساند؟ آن‌چه که نیاز دارید انجام دهید این است که حقیقت را برای او روشن کنید، کاری کنید که او درک کند، و انجام کارهای بد را متوقف کند. وقتی او را به‌طور واقعی نجات داده‌اید آن‌گاه به او یک چیز [زیورآلات محافظ] بدهید. این باید عمیق و به‌طور جدی انجام شود. نجات مردم معادل توزیع کردن فلایرها نیست، درحالی که هر فلایری که بیرون داده‌اید به حساب می‌آید.

مرید: وقتی شاگردان در سرزمین چین فردی از دوستان یا خانواده را می‌بینند که دچار بیماری وخیمی شده است، به آن شخص می‌گویند که "فالون دفا هائو" را تکرار کند و به او اطمینان می‌دهند که معالجه خواهد شد.

استاد: درخصوص شرایط حال حاضر در سرزمین چین صحبت کنیم، اگر شخصی که [به او گفته می‌شود] واقعاً جرأت این را دارد که در آن موقعیت شیطانی آن را تکرار کند— و حتی آن را بلند تکرار کند— آن‌گاه آن شخص معالجه خواهد شد. (تشویق)

حضار) اما هیچ تضمینی نیست که اگر یک شخص آن را در موقعیتی که کم‌تر سخت باشد تکرار کند مؤثر باشد. دلیل این است که وقتی کسی این شجاعت را دارد که بیرون بیاید و در [موقعیتی] که فشار از طرف شیطان وجود دارد درباره‌ی دافا خوب بگوید، متفاوت از این است که در امریکا صرفاً بگردد و همان چیز را بگوید. اگر این‌جا بیرون بروید و فریاد بزنید، "فالون دافا هائو!"، حتی پلیس هم ممکن است با آن همراه شود و دستی هم به نشانه‌ی حمایت از شما، تکان دهد (خنده‌ی حضار) چراکه هیچ فشاری موجود نیست. اما با این وجود نیز، اگر وقتی شخص می‌گوید "دافا هائو"، آن از قلب او بیرون بیاید، آن‌گاه تأثیری خواهد داشت. بنابراین، چه نوع نتیجه‌ای داشته باشد، بستگی به نیت شخص و آن‌چه که فکر می‌کند و نیز محیط پیرامون دارد. اگر شرایط خوب باشد، مسائل راحت و آرام باشد و فشاری نباشد، آن‌گاه آن به وضعیت بستگی دارد. این جایی است که قلب شخص عامل تعیین‌کننده‌ی است.

مرید: برخی از چینی‌های سرزمین چین که هرگز فالون گونگ را تمرین نکرده‌اند به امید به‌دست آوردن اقامت، چین را ترک می‌کنند. آن‌ها به محل‌های تمرین ما می‌آیند تا تمرین‌ها را یاد بگیرند و در تمام فعالیت‌ها عکس می‌گیرند. وقتی برای پناهندگی اقدام می‌کنند به حکومت دروغ می‌گویند. همچنین برخی از مریدان دافای ما برای اعضای خانواده‌شان توصیه‌نامه تهیه کردند [تا برای پناهندگی اقدام کنند]. آیا انجام چنین کاری مطابق الزامات فاست؟

استاد: وقتی آزار و شکنجه در ابتدا شروع شد مریدان دافا درخصوص این مسائل بحث و گفتگوهای زیادی کردند. من آن‌را این‌گونه می‌بینم. [بی بردن به این‌که] آیا شخص، واقعی است امور مربوط به حکومت است و ما به‌عنوان مریدان دافا در این خصوص هیچ قدرت اجرایی نداریم. اگر شخص بخواهد یاد بگیرد، و بخواهد که تمرین‌ها را انجام دهد، آیا از آموزش دادن به وی امتناع می‌ورزید؟ هنوز هم باید به او آموزش دهید. نکته‌ی کلیدی این است که درطول این راه، حقیقت را برای او روشن می‌کنید. کمک به وی برای این‌که درخصوص مسائل روشن شود نکته‌ی کلیدی است.

به‌طور کلی، مریدان دافا مهربان هستند، بنابراین، اگر آن شخص بخواهد عکس بگیرد، بگذارید بگیرد و همین‌طور اگر می‌خواهد یاد بگیرد. واقعاً، گرچه اگر در این حالت از فالون گونگ استفاده کند تا پناهندگی سیاسی بگیرد، پس از آن به فالون گونگ مدیون می‌شود، و از آن روز به بعد نباید هیچ کاری بدی نسبت به فالون گونگ انجام دهد. اگر انجام دهد، بلافاصله کیفر و مجازات می‌گیرد. مجبور خواهد بود تا قرض را بپردازد، و به اندازه‌ی مساوی بپردازد. او توانست توسط استفاده از فالون گونگ از چین بیرون بیاید و به ایالات متحده بیاید و بنابراین مجبور خواهد بود عیناً همان اندازه بپردازد. شاید برخی قوانین را نقض کند و به کشورش برگرداند شود، یا به‌اندازه‌ی برابر مجازات دریافت کند. درحال حاضر، برخی از وکلا کلاس‌هایی برای یادگیری فالون گونگ برگزار می‌کنند و حتی به مردم می‌گویند که جوآن فالون را مطالعه کنند تا شانس‌شان برای دریافت پناهندگی را بیش‌تر کنند. انگیزه‌ی این وکیل هر چه که باشد، او بدهی سنگینی نسبت به فالون گونگ پیدا می‌کند. اما با نگاه از زاویه‌ی دیگر، این‌که مردم را به یادگیری دافا کشاند کار بدی نیست. گرچه این [جویندگان پناهندگی] چین را ترک کردند تا پول به‌دست بیاورند و یک زندگی سر و سامان دهند، و سود بردن اولویت اول آن‌ها است، حتی آن‌گاه نیز، در طول [انجام این کارهای فریبنده] مطمئناً به درکی از فالون گونگ می‌رسند و برای این دلیل اصولاً زیاد نگران نیستیم. هرچه باشد این نقش حکومت است که نگران چنین چیزهایی باشد نه ما. بنابراین، بهترین سعی‌تان را بکنید تا درگیر [کار] این افراد نشوید و پیوندهای کارمایی منفی با این افراد شکل ندهید.

مرید: استاد، مایلم بپرسم، وقتی درباره‌ی تبلیغ شن یون تبادل تجربه می‌کنیم، آیا باید موضوع رشد شین‌شینگ را مطرح کنیم به‌جای این‌که فقط درباره‌ی کار بحث و گفتگو کنیم؟

استاد: درست است. درخصوص هر کاری که ممکن است باشد، اگر مریدان دافا از عهده‌ی این برآیند تا افکار درست قوی‌تری داشته باشند، امور بهتر پیش خواهد رفت. البته این بدین معنی نیست که این درست باشد که کار فوری را رها کرده فقط بر مطالعه‌ی فا تمرکز کرد. اگر این کار را انجام می‌دادید یک مشکل می‌بود و وقتی مطالعه را تمام می‌کردید، شخصی که نیاز داشتید با او صحبت کنید رفته بود و کاری که در دست بود نمی‌توانست انجام شود. نباید درباره‌ی هر چیز بیش از حد متعصب باشید. فا چیزی است که قطعاً باید مطالعه کنید، در موقعیت مناسب و زمان مناسب، و این چیزی است که باید به‌طور مناسب به آن بپردازید.

مرید: آیا افکار و شخصیتی که در طول زمان در ما شکل گرفت، نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن هستند؟ اگر آن مداخله‌ی قابل‌ملاحظه‌ای برای مطالعه‌ی فای شخص ایجاد کند، چگونه شخص باید به‌طور کامل از آن رها شود؟

استاد: افکار و ایده‌ها، یا عقاید و تصورات گوناگون که در مغز شما شکل می‌گیرند، همگی در طول بازپیدایی‌های شما و مواجه شدن تان [با چیزها] در دنیا شکل گرفتند. و هر چه شخص مسن‌تر باشد، بیش‌تر گردآوری کرده است. در سرزمین چین، پدیده‌های بد بیش‌تر و بیش‌تری وجود دارند و به‌طور فزاینده‌ای ظاهر می‌شوند. مردم متوجه شده‌اند که بچه‌های چینی سرزمین چین به‌طور تکان‌دهنده‌ای از بچه‌های خارج متفاوت هستند. بچه‌هایی که از چین هستند درباره‌ی همه چیز می‌دانند و بسیار حيله‌گر هستند. واقعاً. چیزهای بد از هر نوعی در آن اجتماع درحال ظاهر شدن هستند و هیچ خط مرزی برای هیچ چیزی وجود ندارد— خواه روزنامه‌ها باشد، رسانه، رفتار مردم، یا چیزهایی که مردم می‌گویند. سر بچه‌های کوچک با چیزهای نادرست پر می‌شود، بیش‌تر از بچه‌هایی که خارج از چین زندگی می‌کنند، و از این‌رو از این نظر بیش‌تر شبیه بزرگسالان هستند.

هرچه که وارد ذهن یک شخص می‌شود آن‌جا می‌ماند. موجودات بشری حافظه دارند. درحالی که آن را "حافظه" می‌نامیم، و به‌نظر می‌رسد چیزی مفهومی باشد، اما این‌طور است که درواقع حقیقتاً و به‌طور واقعی چیزی مادی است. وقتی مردم چیزهایی می‌گویند، یا وقتی کسی چیزی را برای شما توضیح می‌دهد، یا سعی می‌کند شما را نسبت به چیزی متقاعد کند، "فلان، فلان، فلان"— جریان مداومی [از چیزها] به داخل سر شما می‌ریزد. مواد واقعی واقعاً به‌سمت شما پرتاب می‌شوند. وقتی برخی افراد واقعاً برآشفته می‌شوند و به مشاجره ادامه می‌دهند، درواقع درحال پس زدن تمامی آن چیزها هستند. البته آن‌چه که مریدان دافا انجام می‌دهند برای مردم، خوب است و سخنان ما از افکار درست نشأت می‌گیرد، بنابراین وقتی ما صحبت می‌کنیم آن‌چه که از دهان ما بیرون می‌آید گل‌های نیلوفر آبی هستند. برعکس، هیچ‌یک از چیزهایی که درون مردم عادی دربین اجتماع شکل می‌گیرند به‌طور کلی خوب نیستند، و پس از این‌که آن چیزها وارد بدن شخص می‌شوند درواقع بر او تسلط پیدا می‌کنند. ممکن است مردم بگویند که مهم نیست چه چیزی با چشمان خود می‌بینند، و اگر دیگر نخواهند چیزی را ببینند صرفاً می‌توانند نگاه کردن به آن‌را متوقف کنند. اما این صحت ندارد. وقتی بینایی شما با چیزی تماس پیدا کرد، آن چیز وارد شده است. این بدین دلیل است که هر چیزی می‌تواند خودش را در بعدهای دیگر تکثیر کند، بنابراین هر چه به چیزی طولانی‌تر نگاه کنید، بیش‌تر وارد می‌شود. بدون توجه به این‌که چه چیزی است، خواه در تلویزیون باشد یا روی کامپیوتر، به‌محض این‌که به آن نگاه کنید وارد می‌شود. همان‌طور که این چیزهای بد در مغز و بدن تان بیش‌تر انبار می‌شوند، درنهایت بر اعمال شما مسلط می‌شوند. گفتار شما، طرز تفکر شما، چشم‌انداز شما از چیزها— همگی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

مردم محصول محیط‌شان هستند. این بدون استثناء درست است. و این چیزی نیست که فقط تزکیه‌کنندگان درک می‌کنند، چراکه نسل‌های قدیمی‌تر مردم عادی نیز در زمانی این‌را متوجه شدند. در تزکیه‌ی شخص، چیزهای انباشته شده به‌تدریج از بین می‌روند. اما اگر می‌خواهید پس از شروع تزکیه همگی آن‌ها را یک‌دفعه از بین ببرید، به‌طورکلی بگوییم، امکان‌پذیر نیست. دلیل این است که بیش‌تر از یک شب سرد طول می‌کشد تا قطعه یخی به‌صخامت یک متر شکل بگیرد؛ سخت است چیزهایی که شکل گرفتند در یک مرتبه از بین بروند، چراکه حرارت کافی را ندارید و به مرحله‌ای نرسیده‌اید که قادر باشید آن‌را ذوب کنید. بنابراین قبل از این‌که بتوانید آن‌را ذوب کنید و از بین ببرید باید کوشش زیادی صرف کنید. اگر امروز به‌خوبی تزکیه کنید، این اندازه [از یخ] ذوب می‌شود؛ فردا خوب تزکیه کنید، و آن اندازه بیش‌تر ذوب خواهد شد؛ روز بعد خوب تزکیه کنید، و آن اندازه بیش‌تر ذوب خواهد شد. و ذره ذره ادامه می‌یابد تا مرحله‌ای که افکار درست شما به‌طور واقعی کافی باشد. در آن مرحله مقدار حرارتی که تولید می‌کنید افزایش خواهد یافت، و قادر خواهید بود تا به‌طور کامل آن‌را ذوب کرده و از بین ببرید.

پس چگونه است که پس از این‌که شخص ظاهراً تمام این چیزها را از بین برد به‌نظر می‌رسد افکار بد دوباره در او ظاهر می‌شود. و بیش‌تر این‌که، هر روز افکار درست می‌فرستد تا آن چیزها را پاک‌سازی کند، اما به ظاهر شدن ادامه می‌دهند— چرا هرگز از بین نمی‌روند؟ حقیقتاً. آن چیزها صرفاً در یک روز وارد نشده‌اند (استاد می‌خندند)، و در یک لحظه نیز شکل نگرفته‌اند. این دلیل آن است. برخی افراد ممکن است به ذهن‌شان برسند که در این حالت، شاید اگر برای کمک از استاد درخواست کنند، استاد تمام آن‌ها را برای‌شان از بین می‌برد. اما آیا آن‌گاه درحال کمک خواستن از استاد نیستید که به‌جای شما تزکیه کند؟ در انتها، به‌عنوان تزکیه‌ی شما به حساب نمی‌آید. و هرچه که به‌عنوان تزکیه‌ی شما به حساب نیاید به‌معنی این است که شما آن‌را تزکیه نکردید، بنابراین کوتاهی‌هایی در تزکیه‌ی شما خواهد بود. بنابراین پس از بازگشت شما به آسمان‌ها، شمار عظیمی از خدایان پس از مشاهده‌ی تزکیه‌ی شما چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند؟ در بسیاری از موارد، اگر چیزی را از طریق تزکیه‌ی خودتان اداره نکنید، اگر آن تقوای عظیم را به‌دست نیاورید، و اگر سختی‌هایی را [که همراه با تزکیه است] تحمل نکنید، به‌طوری که استاد در هر قدم از مسیر

چیزها را برای شما پاک‌سازی کند، آن‌گاه آسمان‌ها پذیرای شما نخواهند بود. اگر هنوز هم بدهی‌های پرداخت نشده داشته باشید قابل قبول نخواهد بود. آن‌چه که بده‌کاری است باید پرداخت شود— این قانون این کیهان است. استاد می‌تواند بخشی را برای شما بپردازد، و می‌تواند آن‌چه را که باید پاک‌سازی شود از ذهن‌تان پاک‌سازی کند، اما، خود شما باید آن قسمتی که در روند تزکیه برای شما در نظر گرفته شده را تزکیه کنید و آن قسمت کمی را که قرار است تحمل کنید، تحمل کنید. آن خطری برای شما فراهم نمی‌کند، اما باید درک کنید که تزکیه چیست و چگونه به آن بپردازید. فقط وقتی به بینش‌های جدید برسید و رشد کنید است که تزکیه به حساب می‌آید.

مرید: ممکن از استاد بخوام لطفاً در مورد اهمیت نمایش هنر حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری صحبت کنند؟

استاد: اهمیت نمایش مشابه اهمیت پروژه‌های دیگر است، چراکه همگی تلاش‌هایی هستند که توسط مریدان دافا برای روشن کردن حقیقت و نجات مردم انجام می‌شوند. به همین خاطر، شبیه پروژه‌های دیگر است.

مرید: استاد محترم، من مرید شما، کار رسانه انجام می‌دهم. پرسش من درباره‌ی جزئیات طرح‌ریزی‌هایمان است. برای مثال، وقتی طراحی برنامه‌های تلویزیونی را انجام می‌دهیم، بسیاری از چیزها به روش سنتی انجام نمی‌شوند و خیلی تجاری به‌نظر می‌رسند. آن‌ها چیزی نیستند که در زمان‌های گذشته وجود داشتند. چگونه باید نیاز به پیمودن مسیر مریدان دافا و نیاز به حرفه‌ای بودن را در کنار هم قرار دهیم؟

استاد: در خصوص کارهای عادی فقط به انجام آن‌ها اهمیت بدهید. روشی که کارها در حال حاضر در اجتماع انجام می‌شوند مسلماً بازتابی از زمانه‌ی ما است. اما اگر تصمیم بگیرید که چیزهایی را بسازید که کاملاً بر طبق [چیزهای] قدیمی باشند بدلیل این که در گذشته هیچ چیز مدرنی در اجتماع وجود نداشته، آن‌گاه پی خواهید برد که هیچ کسی چیزهای شما را نمی‌خرد. (خنده‌ی حضار) هرچه باشد شرایط برای آن را ندارید. امروز جامعه این‌گونه که هست می‌باشد. فقط به روشی معمول به امور بپردازید و این تقصیر شما به حساب نمی‌آید. نیازی نیست که مریدان دافا به‌طور فعالی [چیزهای قدیمی] را تبلیغ کنند. برای شما این کافی است که فقط نقش مثبتی ایفا کنید. می‌توانید در هر موقعیتی تزکیه کنید، به‌خاطر داشته باشید، و چیزی که تزکیه می‌کنید خودتان است. وقتی توسط سود و منفعت مورد وسوسه قرار می‌گیرید، وقتی با انتخاب بین خوبی و شرارت مواجه می‌شوید، یا انتخاب درست و اشتباه، و وقتی با تصمیم‌گیری بین آن‌چه باید و نباید انجام دهید مواجه می‌شوید، همیشه این موضوعی است از این که خودتان را کجا قرار می‌دهید. فقط خود را درگیر انجام تمرین و تزکیه کنید. درحالی که کتاب را می‌خوانید و فا را مطالعه می‌کنید، و درحالی که به تزکیه و مطالعه‌ی فا بدون کند شدن می‌پردازید، حالا فقط موضوع این است که آیا می‌توانید خودتان را بیرون در جامعه خوب اداره کنید. آن‌چه که در مدارس امروزه مطالعه می‌شود چنین چیزهایی هستند، و این‌ها همان چیزهایی هستند که شخص در موقعیت محل کارش انجام می‌دهد. بنابراین این موضوعی نیست. این اجتماع چیزی می‌باشد که هست، بنابراین تمام کاری که می‌توانید انجام دهید این است که به بهترین شکل ممکن به امور بپردازید. وگرنه، اگر کار نکنید و از خانواده‌ی خود حمایت نکنید، آن‌وقت چه؟ اگر صرفاً امرار معاش یک موضوعی شود چه؟ تصور کنید اگر به همگی شما گفته بودم که حالا بروید و لباس‌های قدیمی بپوشید و به روش‌های باستانی کارها را انجام دهید. (خنده‌ی حضار) این چیزی نیست که از شما خواستم انجام دهید. زمانه این‌گونه است. در آینده به آن چیزی که سنتی بود باز خواهد گشت، مطمئناً، به‌طور قطع. اما حالا این عملی نخواهد بود. و این مخصوصاً وقتی مردم را نجات می‌دهید صحت دارد. باید مطابق اجتماع باشید برای این که مردم را نجات دهید، یا این که در این کار موفق نمی‌شوید. اگر برخی رویکردهای عجیب و غریب را برگزینید، مردم فکر می‌کنند شما عجیب هستید و اگر هیچ کسی درک نکند چه می‌گویید، چگونه مردم را نجات خواهید داد؟

مرید: برای این که شن یون را در طبقات بالاتر جامعه مشهور سازیم و نتایج بهتری بگیریم باید چه کار کنیم؟

استاد: خودتان باید سعی کنید و ببینید همان‌طور که کارهای واقعی را انجام می‌دهید چه چیزهایی مؤثر هستند. وضعیت هر منطقه متفاوت است، و هر قومیتی متفاوت است. برخی کشورهای هستند که قبلاً کمونیست بودند، برخی همیشه جوامعی عادی داشته‌اند، برخی مناطقی با اقتصاد موفق هستند، و برخی وضعیت اقتصادی ضعیفی دارند. همچنین، هر گروهی از مردم درحالی که در اجتماع زندگی می‌کنند عقاید و تصورات شرطی‌شده‌ی فرهنگی متفاوتی را شکل می‌دهند. بنابراین، مریدان دافا در هر منطقه باید

خودشان امور را اداره کنند. آوردن شن یون برای اجرا چیزی نیست که برای شما اجباری ساخته باشم، چرا که این نیز فقط یک پروژه برای نجات مردم است. منابع مریدان دافا محدود است، و بنابراین اگر این کاری است که می‌خواهید انجام دهید، قطعاً باید آن را به‌خوبی انجام دهید—در غیر این صورت آن را انجام ندهید. من درخواست نمی‌کنم که هر شهر دنیا شن یون را برگزار کند. چیزی که می‌گویم این است که، اگر این کاری است که واقعاً می‌خواهید انجام دهید، آن‌گاه باید آن را خوب انجام دهید. در غیر این صورت آن را انجام ندهید.

برخی از افراد فکر می‌کنند امسال درخصوص شن یون نسبتاً خوب عمل کردیم چراکه پول از دست ندادیم. آن‌ها واقعاً درخصوص آن خوشحال هستند، اما شن یون درنهایت پول از دست داد. آیا می‌دانید میلیون‌ها دلاری که لازم است تا شن یون هر سال برگزار شود از کجا می‌آید؟ مریدان دافا همگی می‌دانند که آوردن شن یون می‌تواند مردم را نجات دهد، که می‌تواند به این برسد، اما اگر نسبت به شن یون مسئولانه عمل نکنید، آن‌گاه این یک مشکل است. شن یون در هر منطقه‌ای که می‌رود برای مریدان دافا تغییراتی در شرایط به‌وجود می‌آورد، و در عامل نجات مردم پیشرفت ایجاد می‌کند، اما شما هم در عوض باید شرایطی را که نیاز دارد فراهم کنید. اگر تصمیم می‌گیرید که شن یون را بیاورید، آن‌گاه واقعاً مطمئن شوید که آن را به‌خوبی انجام می‌دهید. و از آن‌جا که این استاد است که شخصاً شن یون را هدایت می‌کند، اگر منطقه‌تان آن را به‌خوبی انجام ندهد، آن به‌سرعت به من برخواهد گشت.

مرید: درحال حاضر، فرزندان بسیاری از مریدان دفا درگیر امور عادی می‌شوند. چه کاری باید انجام دهیم؟

استاد: حقیقتاً، اجتماع بشری یک خم رنگ‌رزی بزرگ است. اجتماع بر سر مردم با مریدان دافا درحال رقابت است. و این حتی برای فرزندان مریدان دافا که در این موقعیت زندگی می‌کنند نیز صحت دارد: چیزهای بد سعی می‌کنند آن‌ها را پایین بکشند. اگر فرزند تزکیه نکند، یا محیط خوبی نداشته باشد، آن‌گاه واقعاً قادر نخواهد بود آن چیزها را از خود دور کند. اما مسئولیت‌های یک مرید دافا عظیم هستند و بنابراین باید نه تنها مردم دنیا را نجات دهیم بلکه آن افرادی که نزدیک ما هستند را نیز نجات دهیم.

مرید: آیا ممکن است لطفاً استاد در مورد ارتباط "صدای امید" با دیگر رسانه‌ها صحبت کنند؟

استاد: چیز خاصی درخصوص این ارتباط وجود ندارد، چراکه در هر مورد موضوعی از این است که مریدان دافا پروژه‌ای را راه‌اندازی می‌کنند و کار می‌کنند تا به هدف مشترکی برسند—تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. آن را از صمیم قلب انجام دهید. اگر آن را می‌خواهید انجام دهید، به‌خوبی انجام دهید. در غیر این صورت آن را انجام ندهید. اگر آن را ضعیف انجام دهید، شیطان به شما می‌خندد، به نیک‌نامی مریدان دافا صدمه می‌خورد، و عواقب نامطلوبی خواهد داشت. بنابراین، هر کاری باشد که انجام می‌دهید، واقعاً باید آن را با تمام جدیت انجام دهید.

تمام مسیرهایی که درطول اعتباربخشی به فاطمی می‌کنید، هر یک کار و همه‌ی آن‌ها در کتاب تاریخ ثبت می‌شود. کارهایی که به انجام می‌رسانید توسط خدایان و بدن‌های قانون استاد مورد ارزیابی نهایی قرار می‌گیرند. و خالص‌ترین چیزها بین آن‌ها، دقیقاً چیزی است که مسیر شما را بنیان می‌نهد، و آن‌ها تقوای عظیم شما هستند، آن‌چه که استفاده کرده‌اید تا بهشت خود را بنیان گذارید. آن‌چه که شاکيامونی از طریق کاوش و بررسی به آن روشن‌بین شد، "احکام، تمرکز، خرد" بود. همان‌طور که می‌دانید، آن روش تزکیه‌ی وی بود، و آن دربرگیرنده‌ی چیزی است که در طول اشاعه‌ی دارمای خودش برای چهل و نه سال به آن رسید. هر خدا چیزهای خودش را که توسط کاوش و بررسی به آن روشن‌بین شده، که از قانون بزرگ کیهان به آن‌ها رسیده، دارد و از طریق آن‌ها است که خودش را کامل می‌سازد و بهشت خود را ایجاد می‌کند. تمام کارهایی که هر یک از مریدان دافا انجام می‌دهند توسط خدایان مورد توجه قرار می‌گیرند و هر یک خدایانی دارند که ارزیابی نهایی را ارائه می‌دهند.

مرید: افراد فروش تبلیغات در دفتر مرکزی ان‌تی‌دی‌تی‌وی لازم دارند که گزارش‌گران برای شرکت‌های خاصی برنامه‌های

خبری تجاری و صنعتی رایگان تهیه کنند.

استاد: [پس این درخصوص] تهیه برنامه‌های خبری خاص به‌صورت رایگان است. اگر می‌خواهید رابطه‌ی خوبی ایجاد کنید، یا اگر نوعی معامله‌ی تجاری وجود دارد که برای دو طرف سودمند است، آن‌گاه اشکال ندارد که آن را انجام دهید. اما اگر این‌طور نیست، آن‌گاه ارزش ندارد که به‌طور رایگان آن را انجام داد. اگر در طول انجام این برنامه‌ی خبری خاص [به‌طور رایگان] مردم

نجات پیدا کنند، آن گاه مخالفتی ندارم. در غیر این صورت اگر نمی‌تواند به این هدف برسد، چرا انجام بدهید؟ از آن جا که این برگه‌ی پرسش این گونه نوشته شده باید به همراه این سطرها پاسخ دهم.

مرید: مرید شما نمی‌تواند این را درک کند. آیا این چهره‌ی حرفه‌ای آن تی‌دی‌تی‌وی را مخدوش نمی‌کند یا گزارش‌گران باید با این وجود نیز صرفاً به بهترین وجه همکاری کنند و به تیم فروش کمک کنند تا این رویکرد را برای جذب مشتریان بالقوه استفاده کنند؟ آیا تیم فروش باید سعی کنند در سریع‌ترین زمان ممکن استاندارد حرفه‌ای خودشان را بالا ببرند به طوری که بتوانند در فروش تبلیغات مستقل باشند؟

استاد: واقعاً چیزهای زیادی وجود دارند که آن تی‌دی‌تی‌وی باید درخصوص آن‌ها بهتر عمل کند. نگاه کنید امور در شن یون چگونه اداره می‌شوند، و می‌توانید ببینید که افراد نمی‌توانند صرفاً هر کاری را که می‌خواهند، انجام دهند. این یک مشکل است اگر جلسات شما نمی‌تواند موضوعات واقعی را حل و فصل کند. اما واقعاً ترجیح می‌دهم هیچ کاری درخصوص این نوع موضوعات خاص انجام ندهم، چراکه این‌ها چیزهایی در مسیر تزکیه‌ی شما هستند که باید آن‌ها را به خوبی اداره کنید. به هر حال، اگر آن‌ها را به خوبی اداره نکنید، واقعاً تأثیر بزرگ منفی بر نجات موجودات ذی‌شعور مردمان دافا خواهد داشت.

مرید: پروژه‌ای که تیم من روی آن کار می‌کند هرگز از استاد نظرخواهی نکرده است. پروژه‌ی ما درحال حاضر در موقعیت بحرانی قرار دارد اما هماهنگ‌کنندگان نمی‌توانند به توافق برسند و تضادهای شدید هستند، باعث می‌شوند پروژه متوقف شود.

استاد: پس فقط کارها را بر طبق خواست بالاترین فرد مسئول انجام دهید. قبلاً این مشکل را بارها دیده‌ام، به طوری که به این شیوه می‌لغزید و یکی پس از دیگری می‌افتید. اما امید دارم که پس از این که افتادید، چیز خوبی از آن یاد بگیرید. همیشه از تجربیاتتان چیزهای بد را بردارید. وقتی چیزهای بد یاد بگیرید، درواقع از تفکر بشری استفاده می‌کنید تا مسائل را در نظر بگیرید، و زیرک‌تر و مکارتر می‌شوید که بدین معنی است که درحال بدتر شدن هستید. قبلاً درباره‌ی این که یک شخص بد چیست با شما صحبت کرده‌ام؛ او کسی است که مکار است. درحالی که کسی که خوش‌قلب باشد و تفکر او آن قدر پیچیده نباشد شخص خوبی است. باید درباره‌ی مسائل به شکلی سازنده فکر کنید، و وقتی می‌لغزید مانند یک تزکیه‌کننده به دنبال دلیل باشید، برسید، "کجا اشتباه کردم؟" فقط با ارزیابی مسائل با فایده‌ای که قادر خواهید بود از تجربه‌تان چیزهای خوبی یاد بگیرید. اگر واقعاً بتوانید از عهده‌ی این برآید که این کار را انجام دهید، مسائل قطعاً خوب پیش خواهند رفت. و اگر همگی شما بتوانید این کار را انجام دهید، باور ندارم پروژه‌تان بتواند خراب شود. فقط این طور است که به درون نگاه نکرده‌اید یا چیزهای خوب یاد نگرفته‌اید. یا به عبارت دیگر، درباره‌ی امور به شیوه‌ای که مردمان دافا باید صحبت کنند، صحبت نکرده‌اید.

مرید: هنگام انتخاب پروژه‌های دافا، آیا این اشتباه است که این را در نظر بگیریم که کدام یک اجازه می‌دهد شخص آن چه را که خوب یاد گرفته مورد استفاده قرار دهد یا کدام یک برای پیشرفت شخص مفیدترین خواهند بود، برعکس این که توسط سرپرست آن پروژه متقاعد شود [که به پروژه بپیوندد]؟ این را می‌پرسم زیرا آن‌ها می‌خواهند مردمان مستعد را پیدا کنند تا به طور تمام‌وقت کار کنند، درحالی که عقیده‌ی من این است که بهترین راه برای تعامل با جریان اصلی اجتماع و افراد عادی پرنفوذ آن این است که شغلی عادی داشت. آیا ممکن است لطفاً استاد کمک کنند در این خصوص توضیح دهند؟

استاد: با نگاه از زاویه‌ی کار عینی نجات مردم، این اشتباه نیست که "این را در نظر داشت که کدام یک اجازه می‌دهد شخص چیزهایی که خوب یاد گرفته را مورد استفاده قرار دهد... در انتخاب پروژه‌های دافا." فرض کنید تخصص شما کامپیوتر است، و بیرون می‌روید تا تبلیغات [برای رسانه‌مان] جمع‌آوری کنید. البته اگر بدانید که این نیز چیزی است که در انجام آن توانا هستید، آن گاه خوب است. به عبارت دیگر، هر چیزی که یاد گرفته‌ایم و مورد استفاده قرار می‌دهیم که می‌تواند نقش قابل توجهی در نجات مردم ایفا کند قطعاً بسیار خوب است. اما اگر نتیجه بگیرید که درحالی که در شغلی عادی هستید می‌توانید تأثیر بزرگ‌تری در نجات مردم داشته باشید، آن گاه قطعاً با این شکل فکر کردن چیز اشتباهی وجود ندارد. درواقع این چیزها ساده هستند. هر چه که تصمیم می‌گیرید انجام دهید، آن را به خوبی انجام دهید. اشخاص مسئول برخی از پروژه‌ها واقعاً بیرون می‌روند تا نیروی کار بگیرند چراکه کمبود شدید نیروی انسانی دارند. "چه اهمیتی دارد در چه چیزی خوب هستید، تا وقتی که بتوانید قرارداد ببندید و کار کنید عالی است!" (خنده‌ی

حضار) مسیرتان برای شما است که ببینید. حتی وقتی می‌لغزید از صحبت کردن خودداری می‌کنم. وقتی به‌طور واقعی خود شما می‌دانید چه کار کنید عالی خواهد بود.

مرید: به‌خاطر کمبود نیروی انسانی، پروژه‌های مختلف بر سر تعداد محدود کارکنان رقابت و دعوا می‌کنند، به‌جای این‌که همکاری بین آن‌ها را بهبود بخشند.

استاد: وقتی به‌طور شدیدی نیاز دارید تا فرد مناسبی را پیدا کنید، اما نمی‌توانید، گرایش دارید که عجله کنید و کسی را بگیرید تا کار را شروع کند. متوجه هستم که این چالشی هست که هم‌اکنون با آن مواجه هستید. درحال مشاهده‌ی این تضادها هستیم.